

یادداشت

دورخیز اقتصادی دولت برای نهاد آموزش

محمدرضا نیک‌نژاد ـ آموزگار

یکی از اعضای کمیسیون آموزش مجلس گفته دولت مخالف افزایش حقوق فرهنگیان است، معاناول رئیس‌جمهور نیز در آیین‌قدردانی از وزیر پیشین و معرفی و خوشامدگویی به وزیر جدید، با اشاره به کام‌نخست اجرای طرح رتبه‌بندی فرهنگیان در دولت یازدهم، تأکید کرد پیاده‌سازی این طرح بار مالی زیادی برای دولت پدید آورده و برخلاف انتظار دولتمردان، فرهنگیان را هم راضی نکرده است. گفته‌های جهانگیری به‌گونه‌ای حس پشیمانی او و دولت از اجرای طرح را منتقل می‌کرد. آنچه از سخنان او و وزیر جدید برمی‌آمد این است که در دولت دوازدهم آموزش‌وپرورش افزایش بودجه ویژه نخواهد داشت و دولت به‌دنبال منابع تازه برای این وزارتخانه است. اینکه این منابع چه هستند، چندان روشن نیست، اما می‌توان حدس زد که با توجه به جایگاه پیشین وزیر آموزش‌وپرورش در معاونت پشتیبانی و آشنایی ایشان با گرفتاری‌های مالی این نهاد و البته رویکردهای صرفه‌جویانه او در به‌کارگیری بازنتشنگان در برابر موج سنگین و بحران‌زای بازنتستگی در آموزش‌وپرورش، فراهم‌کردن زمینه بیشتر برای گسترش مدرسه‌های پولی، فراج‌کردن فضای مشارکت‌های مالی خانواده‌ها و بازگذاشتن بیشتر دست‌مدیران در دریافت پول از آنان، کاهش استخدام‌های رسمی و افزایش نیروهای کم‌درصد و کم‌هزینه‌حق‌التدریس، کاهش کلاس در مدرسه‌ها و به‌دنبال آن افزایش تراکم دانش‌آموزی و… می‌تواند راه‌هایی باشد که وزیر جدید برای پرشمارگرفتاری‌های مالی نهاد آموزش برمی‌گزیند. گرچه در این یادداشت کوتاه فرصت و فضای در‌خور برای پرداختن به ناکامی چنین روش‌هایی نیست، اما می‌توان تأکید کرد همه این راه‌ا آموزش‌وپرورش را بیش از گذشته ناکارآمد کرده و روند کوفی را تشدید می‌کند. شوروربخانه نزدیک به دو دهه گذشته وزیر آموزش‌وپرورش به‌جای وزارت در نهاد آموزش که باید با نوآوری‌ها و روش‌های نوین خویش به بهترین شکل ممکن به وظیفه پرورش شهروندان آینده‌پروزاد، مجبور است چرتکه به دست بگیرد و مانند یک حسابدار به‌دنبال تأمین کسر بودجه فراگیر این نهاد باشد. بی‌گمان رویکرد دولت دوازدهم در سخنان رئیس‌جمهور در صداوسیما، معاون‌اول و وزیر آموزش‌وپرورش خود را نشان می‌دهد، نمی‌تواند گرهی از گرفتاری‌های پرشمار آموزش‌وپرورش به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد در توسعه کشور بگشاید و گمانی نیست این روش بر بحران‌های آشکار و نهان این وزارتخانه خواهد افزود. سخنی با وزیر آموزش‌وپرورش: از روزهای نخست ورود بطحایی به ساختمان سپهبد قرنی ایشان قول دادند طلب‌های یک سال گذشته فرهنگیان را بپردازند. این روزها که در نیمه‌های شهریور به سر می‌بریم و زمان چندانی به آغاز سال نو آموزشی نمانده است، همچنان پنج ماه و نیم از حق‌التدریس‌های معلمان رسمی و بازنتشست، بخش بزرگی از حق‌الزحمه‌های برگزاری آزمون‌های نهایی، بخشی از حقوق معلمان حق‌التدریس و… باقی مانده است. شاید این نخستین آزمون برای وزیر جدید باشد تا توانایی خویش را برای پیشبرد خواسته‌هایش به‌عنوان پرچمدار آموزش کشور به رخ همکاران فرهنگی‌اش بکشد. به نظر می‌آید در این چند روز بطحایی تلاش کرده توان، انگیزه و انرژی خوبی برای اسکنداری گسترده‌ترین وزارتخانه کشور از خود نشان دهد. امید است به قول خویش وفا کرده و کام‌نخست برای اعتمادسازی را محکم بدارد.

معصومه اصغری: مردم به پاساز می‌شناسند، نه مسجد؛ زیرزمین مسجد را برای تهیه غذا، سوپرمارکت، املاک، مهد کودک و قرآن، کلاس ورزشی و نقاشی و… اجاره داده‌اند. کسب درآمد از فضایی که وابسته یا متعلق به مساجد است، جزء آن‌دسته از سیاست‌های یک‌پام و دوهوای راهشده‌ای است که اشکالات و شائبه‌های زیادی را در اذهان عمومی در قضاوت عملکرد مساجد برای شهر و شهروندان به وجود آورده است. در حالی که آیت‌الله مکارم شیرازی سال ۹۱ در دوره‌ای که شروع چنین اقداماتی در مساجد بود، درباره این اقدام از واژه «دست‌اندازی به مساجد» استفاده کرد و صراحتا اعلام کرد اجاره بخشی از مسجد به عنوان کسب درآمد اشکال دارد و مردم را از اداره مساجد دور خواهد کرد.

وی با بیان اینکه مساجد را باید با کمک مردم اداره کرد، گفت: برخی از اهالی مساجد از ما می‌پرسند آیا می‌شود زیرزمین مسجد را تبدیل به آشپزخانه کرد و آن را اجاره داد یا اینکه از وسعت صحن مسجد برای ساخت مغازه استفاده کرد یا خیر، که ما در پاسخ عنوان کردیم دست‌اندازی به مساجد برای انجام کارهای اقتصادی خطرناک و حرام است. آیت‌الله مکارم شیرازی هشدار داد: باید جلوی تبدیل‌شدن مساجد به مراکز تجاری را گرفت و با این امر مخالفت جدی شود. اما چقدر این موضوع نگران‌کننده است و به هشدارهای جدی توجه شد؟ پاسخ را می‌توانید با نگاهی به محلات اطراف محل زندگی خود به‌خصوص در کلان شهرها ببینید. واقعیت این است که تعداد بسیار زیادی از مساجد در چند سال اخیر با فرض ایجاد فضای تجاری و درنظرگرفتن واحدهای تجاری در کنار، همکف یا زیرهمکف محیط مسجد آماده و ساخته شده‌اند.

بسیاری از شهروندان ممکن است درباره این اقدام مساجد و متولیان آنها و مجوزهای قانونی که برای این تغییرات وجود دارد، اطلاعات نداشته باشند و این اقدام مساجد را اقدامی خودسرانه یا مستقل از مسجد قلمداد کنند، اما واقعیت این است که این اقدامات مجوز دارد. مسئولان مربوطه مساجد در تهران و سایر کلان‌شهرها به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از مساجد توان اداره امورات داخلی خود را ندارند و نمی‌توان از بودجه‌های عمومی هم برای اداره مساجد استفاده کرد. در نتیجه، این‌گونه شد که تصمیم گرفتند بخشی از فضای مساجد را تبدیل به پاساژ، واحد تجاری، درمانگاه، کترینگ و… کنند. شاید هدف اولیه تأمین درآمد اولیه برای اداره فضای مسجد، حقوق امام جماعت و سرایدار و سرانه‌های دیگر بود، اما به مرور رقم چشمگیر درآمدها و اجاره و… تمایل به ادامه و گسترش این کار را بیشتر کرده است تا جایی که در بسیاری از موارد، این مساجد خارج از چارچوب‌هایی که چندان هم جدی گرفته نشده‌اند، حرکت می‌کنند. چند مورد از مساجدی که شهروندان تهرانی گزارش تخلفاتشان را به روزنامه «شرق» ارسال کردند، زمینه نوشتن این گزارش شد و در ادامه مشخص شد این مساجد با حمایتی که از شهرداری‌های مناطق دریافت می‌کنند، به شکلی قانونی این اندازه محدوده فعالیتشان را چندبرابری کرده‌اند. در این شرایط هم که همه امور به شکلی قانونی انجام شده، نمی‌توان از همان مراحل قانونی آنها را بازخواست کرد، اما آیا همه امور با داشتن قانون و مجوز تأیید می‌شود و تخلفات آشکار و اعتراضات مردمی را باید نادیده گرفت؟ مسجدی در ولنجک، حکیمیه یا خیابان پیروزی تهران نمونه‌هایی از مساجد تجاری‌شده است که مردم محلات دیگر آنها را مسجد نمی‌شناسند و تبدیل به یک پاساز یا مجتمع تجاری برای آن محلات شده‌اند و نه تنها جریان کسب‌وکار آن محلات را تغییر داده‌اند، بلکه با توسعه هر روز بیشتر از دیروز از وظیفه اصلی خود دور مانده‌اند و مثل بسیاری دیگر از مساجد فقط در ساعات اذان، درهای مسجد را باز می‌گذارند و به این ترتیب رسما عملکردشان به عنوان مسجد فقط چند ساعت در روز، آن‌هم به شکل نصفه و نیمه است؛ مساجدی که مردم شهروندان همجوارش نسبت به عملکردشان معترضند و اعتراضشان را به رسانه‌ها کشیده‌اند.

موضوعی را که از آن صحبت می‌کنیم، در همان روزهای ابتدایی شورای چهارم شهر تهران- روحانی معروف و مورد وثوق ایرانی‌ها صراحتا به آن اعتراض کرد. حجت‌الاسلام قرائتی، روحانی صریح‌اللهجه و باسابقه در دیداری که با شورای چهارمی‌ها داشت، درباره اثرات منفی تجاری‌سازی محیط مسجد هشدار داد. نمونه معروفی از تجاری‌سازی فضای مساجد را می‌توان در همان مسجدی دید که بخش از فضای خود را به کارواش در سعادت‌آباد تهران تبدیل کرد و در ادامه با شهرداری منطقه و ماموران سد معبر آن به اختلاف خورد و در ادامه صحنه‌های درگیری ناراحت‌کننده‌ای پیش آمد.

دکتر محمود نجاتی حسینی، پیش‌تر در نشستنی تخصصی درباره

در پی اعتراض‌های شهروندی، «شرق» مجوزهای قانونی مساجد برای تجاری‌سازی را بررسی کرد

مسجد ولنجک یا پاساژ ولنجک



جایگاه مسجد مطلوب در شهر مدرن گفته بود: امروزه، نقطه مقابل مسجد مطلوب می‌تواند مسجد نامطلوب باشد؛ نمی‌توان این واقعیت را منکر شد که ممکن است برخی مساجد کارکرد خود را از دست بدهند. او تصریح کرد: کسانی که مسجد را می‌سازند، نباید بسازوبرفوش باشند؛ در ساخت مسجد نباید این‌گونه افراد اداره ساخت را به دست بگیرند، زیرا این افراد که نگاه اقتصادی دارند، به جای مسجدسازی به دنبال پاساژسازی خواهند بود.

محمد سالاری، عضو شورای شهر تهران در دوره پنجم، به «شرق» می‌گوید، شهرداری تهران برای این تغییر کاربری با مساجد همکاری می‌کند و مجوزهای لازم را به آنها می‌دهد. او می‌گوید این موضوع در قالب تصمیم مراجع تصمیم‌گیر برای کسب درآمد مساجد بوده است، اما درباره اینکه آیا در این زمینه تخطی وجود دارد یا نه، باید به شکلی بررسی شود. او می‌گوید تقریباً بیشتر مساجد درون و برون‌شهری با این رویکرد تجاری شده‌اند، اما اینکه نظارت بر عملکردها و تخلفات احتمالی را چه مرجعی انجام می‌دهد، در جریان نیست.

این عضو سابق شورای شهر تهران در پاسخ به این سؤال که اگر در مواردی برخی از مساجد در تجاری‌سازی محیط خود تخلف یا زیاده‌روی یا مردم‌آزاری داشته باشند، تصریح کرد: واردشدن به این حیطه از عملکرد مساجد که جنبه دینی دارد، محل اختلاف است اما از آنجا که مجوزهای این تغییرات قانونی است، نمی‌توان به آنها خرده‌ای گرفت

مجتبی شاکری، عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای چهارم، درباره نظر منفی آیت‌الله مکارم‌شیرازی برای تجاری‌سازی مساجد به «شرق» می‌گوید: این نظر شخصی ایشان است اما برای این اقدام مساجد قانون وجود دارد و نمی‌توان به آنها خرده گرفت.

او می‌افزاید: ایجاد فضای تجاری کنار و داخل فضای مساجد در راستای کمک به این مجموعه‌های مذهبی بوده است؛ چراکه بسیاری از این مساجد منابع درآمدی ندارند و حتی در تأمین اعتبار برای امام جماعت، خادم و سایر برنامه‌های فرهنگی خود بازمی‌مانند. او می‌گوید مجوز استفاده از فضای تجاری را مراجع بالاسری مساجد و شهرداری تهران به شکلی قانونی به مساجد می‌دهند و اتفاقاً شهرداری‌های مناطق همانند بسیاری از ارگان‌های دولتی که خدمات را با تخفیف یا مجانی ارائه می‌کنند، درباره ارائه خدمات به مساجد همراهی ویژه دارد.

شاکری می‌گوید این روند در حال‌حاضر در بیشتر مساجد انجام می‌شود و مساجد سال‌هاست کارکردهای چندمنظوره پیدا کرده‌اند و حتی از محیط آشپزخانه خود هم در خارج از برنامه‌های مذهبی برای تهیه غذا و فروش آن استفاده می‌کنند. او می‌گوید در بسیاری از مساجد با وجود قرائت خطبه به نام مسجد در آنها، تبدیل به مجتمع فرهنگی شده‌اند که این اشکال دارد.

او به تفاوتی که در اداره و نظارت بر امور مساجد وجود دارد اشاره کرد و گفت: بسیاری از مساجد زیر نظر اداره اوقاف فعالیت می‌کنند و هیئت امنای مسجد باید به آنجا پاسخ‌گو باشند و هر نوع درآمدی را هم به اوقاف می‌هند و در ادامه سهم خود را دریافت می‌کنند اما بسیاری از مساجد هم سرقفلی مستقل دارند و به‌عنوان ملکی شخصی فعال هستند. او افزود: ممکن است بسیاری از این مساجد پس از ساخت‌وساز، زیرمجموعه اوقاف قرار بگیرند اما در موارد اختلافی و حقوقی به‌عنوان یک ملک شخصی درباره آنها اقدام می‌شود.

شاکری در پاسخ به این سؤال که درباره دادن این مجوزها دوحودود یا ضابطه‌ای بر اساس متراز، محل قرارگرفتن مسجد و شرایط محلی وجود دارد یا نه، گفت: به‌نظر نمی‌آید این موضوعات پیش‌بینی شده باشد؛ ضمن اینکه تا جایی که می‌دانم شهرداری‌های مناطق در دادن انواع مجوز به این مراکز مذهبی کوتاه می‌آیند و بسیاری از اشکالات فنی و شهرسازی را از آنها نمی‌گیرند و همکاری‌های خوبی دارند. این عضو سابق شورای شهر تهران در پاسخ به این سؤال که اگر در مواردی برخی از مساجد در تجاری‌سازی محیط خود تخلف یا زیاده‌روی یا مردم‌آزاری داشته باشند، تصریح کرد: واردشدن به این حیطه از عملکرد مساجد که جنبه دینی دارد، محل اختلاف است اما از آنجا که مجوزهای این تغییرات قانونی است، نمی‌توان به آنها خرده‌ای گرفت.

به گزارش «شرق»، بسیاری از قوانین، شکلی معقول و منصفانه برای همه مردم شهر و بهره‌مندان آن دارند اما در ادامه و در حین اجرا دچار اشکالات ساختاری و سوءاستفاده می‌شوند و اصل قانون را زیر سؤال می‌برند. حالا درباره این امکان قانونی برای مساجد هم چنین قاعده‌ای صادق شده است. مجوزهای قانونی و همراهی‌های شهرداری‌های مناطق در ارائه مجوزهای بوداری که شائبه‌های مالی زیادی را به‌همراه دارد، با این انحصار که طرف این قرارداد مسجد و محلی‌عام برای همه مردم است، نمی‌تواند درست باشد، چرا که در نهایت نفع آن به مردم نمی‌رسد. ممکن است از دیدگاهی استفاده از فضاهای خالی و استفاده‌نشده مساجد برای عموم مردم پیشنهاد خوبی باشد تا در کنار تبلیغ و نزدیکی بیشتر برای مساجد و ارتباط مردم با خانه خدا، درآمدی برای مسجد ایجاد شود اما آیا نباید روی این عملکرد حساس و روی لبه تیغ، نظارت و پیگیری جدی صورت گیرد تا به‌نام مسجد این فضا مورد قضاوت‌های درست و نادرست قرار نگیرد؟! بررسی گزارش‌های عملکردی مراجع مرتبط با مساجد در تهران و کل کشور نشان می‌دهد که تاکنون بررسی و گزارشی جزئی از این تغییر ساختاری درباره مساجد ارائه نشده و به‌همین‌دلیل به نظر می‌رسد لازم است تحقیق و بررسی جامعی را در این زمینه شاهد باشیم.

از آنجایی‌که مجوزهای قانونی برخی از مساجد مورد اعتراض شهروندان، در دسترس نبود و بیم سابقه منفی برای این مساجد می‌رفت، از آوردن نام و آدرس این مساجد خودداری شد اما به شکلی غیرخبری پرونده این مساجد و مجوزها و ارتباطاتشان با شهرداری‌های مناطق پیگیری خواهد شد.

سودوکو سخت ۱۹۱۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو سخت ۱۹۱۱

حل سودوکو سخت ۱۹۱۲

سودوکو ۱۹۱۲

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت ۱۹۱۲

حل سودوکو سخت ۱۹۱۱

حل سودوکو سخت ۱۹۱۲

سودوکو ۱۹۱۲

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

تهران‌شهر

باغ‌گمشده

● **علیرضا زمانی**، روزگاری لاله‌زار بلیاق پادشاه خوشگذرانی همچون فتحعلیشاه بود که با حوریان و غلامانش در این باغ، نزدیک‌ترین بهشت روی زمین به تهران، روزگار می‌گذرانید. این بهشت که خیابان بهشت امروز و پارک شهر آن در برابرش به برزخی بیش نمی‌مانست، خارج دروازه دولت و از ارگ شاهی چند قدمی بیش به آن فاصله نبود. ناصرالدین‌شاه که آمد و پایش به شمیران باز شد، بهشت‌های دیگری همچون سلطنت‌آبادها را کشف کرد و لاله‌زار دیگر برایش بهشت نبود. در همین دوره بود که شهر گسترش‌یافته لاله‌زار داخل شهر شد و از چشم افتاد. شاه تصمیم گرفت لاله‌زار را به ریاال تبدیل کند. طولوزان، حکیم فرانسوی شاه، هرچه التماس کرد لاله‌زار و درختان سربه‌فلک‌کشیده‌اش ریه تنفسی تهراند، حرفش به گوش شاه فرو نرفت که نرفت! شاید او ایرانی‌ها را خوب می‌شناخت و می‌دانست این تجربه لاله‌زارکنش در آینده نه‌چندان دور آنها را به متخصصان تبدیل باغ به برج و عمارت و مکامل تبدیل خواهد کرد!با همه اصرارهایش، لاله‌زار عاقبت فروخته شد، آن هم به ۹۰ هزار تومان و بیشترش هم سهم امین‌السلطان شد که این سهم به نام ویرانه باغ اتحادیه به ما رسید و شهرداری در همتی بلند خریداری‌اش کرده، مرمتش کرد اما در ایجاد کاربری مناسب با گذشته لاله‌زار ایده‌مدانه و شهرشناسانه عمل نکرد!بعد او رجال دیگر هم آمدند و روی لاله‌ها و درختان لاله‌زار عمارت‌ها ساختند، تنها شانس لاله‌زار این بود وقتی روشنفکران وطنی از پاریس برگشتند، تهران به نظرشان مسخره می‌آمد. همین شد که تصمیم بگیرند نشانه‌هایی از پاریس در تهران برپا کنند. پس این خیابان خاکی باریک، بخت آن را یافت که شازنده‌لیزه تهران شود و محل تفریح و قرارهای روشنفکران شهر شود. هر چیز نو و صنعت تازه‌ای که در اروپا ظهور می‌کرد اول همه سر از لاله‌زار درمی‌آورد. اولین عکاس‌خانه‌ها، سینماها، مدرسه آرتیستی، هتل، تئاتر، کافه‌ها و کنسرت‌ها در لاله‌زار سر از خاک بیرون آوردند.پهلوی اول هم که آمد، ارج و قرب لاله‌زار بیشتر شد. در دوره‌می‌های کافه‌های لاله‌زار ادبیات، هنر و میهن‌پرستی درهم آمیخته می‌شد و هر روز ایده جدیدی در حوزه موسیقی، کتاب، شعر و… بیرون می‌آورد. با حضور این همه آدم خوش‌فکر، حال لاله‌زار هم خوب بود. حال لاله‌زار تا دهه ۴۰ هم خوب بود و شاداب و باطراوت به زندگی ادامه می‌داد.اما شهر بزرگ می‌شد و لاله‌زار دیگر شمال شهر نبود. همین شد که صاحبان سینماها و کافه‌ها و روشنفکران نقل مکان کرده، مکان‌های فرهنگی لاله‌زار را سپردند دست کاباره‌چی‌ها و مشتری‌های تازه‌به‌دوران‌رسیده که از سینما و تئاتر فقط تفریح و رقص و آوازش را می‌شناختند. لاله‌زار دیگر جای شاعران و نویسندگان و روشنفکران و ایده‌مندان شهر نبود. بیشتر از اینکه هنر در لاله‌زار عرضه شود، ابتذال بود که عرضه می‌شد. انقلاب که آمد، مردمی که از ابتذال دل خوشی نداشتند، لاله‌زار را پای میز محاکمه کشاندند. لاله‌زار تنها باید جای تصمیم‌گیران گذشته این سرزمین تاوان پس می‌داد؛ تاوانی که همه گذشته پرشکوه‌ا و نادیده گرفت و لاله‌زار را به فنا کشانید ! امروز لاله‌زار توانایی‌ترین خیابان تهران است. شاید این همه لامپ و لوسترفروشی برای این است که گذشته تاریک دهه ۵۰ لاله‌زار از یادها بسود اما خوب که بنگریم نور این همه چراغ در مقابل نور سینماها، تئاترها، کافه‌ها، محافل ادبی و فرهنگ و هنر دوره طلایی لاله‌زار، به شعله لرزان شمعی بیش نمی‌ماند. به امید آن روز که لاله‌زاری نوین در این شهر پرفرهنک برهنر سر از خاک بیرون آورد.

		۴			
		۸	۵		
			۴	۹	
			۸		۶
	۹		۷		
۱			۳		
	۳			۷	
			۵		
	۲		۵		
		۳	۶		۴
				۲	
					۷

۵		۲	۹		۸	۳
		۶	۹		۴	۵
۸	۴		۲		۳	۷
		۱	۴	۶		۷
	۶		۷		۲	۴
	۲	۵	۷		۸	۶
	۹			۸		۲
				۹	۴	۸
			۸	۵		